

بازتاب تلمیحات در غزل‌های میر محمد نصیر خان جعفری

شجر فاطمه^۱

Reflections of allusion in the poems of Mir Naseer Khan Jafari

Mrs. Sajjar Fatima

Mir Muhammad Naseer Khan is a Persian poet of Sindh who lived in nineteenth century. He contributed to Persian literature by creating valuable works comprises on a collection of verses (Gazaliat), three volumes of 'Masnavis' (spiritual couplet) and an epistolary collection. In his work, Mir Muhammad Naseer Khan has used the technique of allusion (Talmeeh) at its best along with other poetic techniques. This technique (Talmeeh) is dominantly used in his Ghazal especially, where he has perfectly applied this technique to create new ideas and has given expended horizons and freshness to his poetry.

KEY WORDS: allusion, Sindh, Mir Muhammad Naseer Khan, Persian Poetry

چکیده

میر محمد نصیر خان جعفری یکی از سخنوران اندیشمند و متفکر ایالت سند است که در سده نوزدهم میلادی می زیست و آثار ارزشمندی را به زبان فارسی که شامل یک دیوان غزلیات و سه مثنوی و یک مجموعه از نامه‌ها است؛ به یادگار گذاشته است. آرایه‌های ادبی یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های شعر فارسی است که در اشعار میر محمد نصیر جعفری نیز فراوان به کار رفته است. البته این شاعر از بین آرایه‌های متداول به کارگیری صنعت تلمیح در غزلیات خود توجه خاصی مبذول داشته است و با استفاده از انواع مختلف تلمیحات و با آفرینش معانی تازه دامنه محتوایی و ادبی شعری خود را وسعت داده است. این تحقیق با هدف شناساندن این شاعر فارسی زبان سرزمین سند و ویژگی‌های شعری او صورت گرفته که در آن جنبه‌های مختلف تلمیح و چگونگی کاربرد آن در غزلیات جعفری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱ استاد یار زبان و ادبیات فارسی در دانشکده بانوان، پی ای سی ایچ ایس، کراچی-

واژگان کلیدی: تلمیح، سند، میر محمد نصیر خان جعفری، شعر فارسی

پیش‌گفتار

مقاله تحقیقی زیر نظر با هدف به معرفی شخصیت و آثار و افکار میر محمد نصیر خان که هنوز شناخت کافی بین فارسی زبانان ندارد و بررسی کاربرد آرایه تلمیح در غزل‌های میر محمد نصیر خان را که نشانه‌ی علو فکری و نظری و وسعت دامنه علمی شاعر است، نگارش شده است.

«تلمیح» مصدر عربی از ریشه «لمح» به معنی اشاره کردن است. به گفته جلال همایی «به گوشه چشم اشاره کردن، و در اصلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند.» (همایی، ۱۳۷۱ ش: ۳۲۸)

آرایه تلمیح دارای ساخت مخصوصی دارد و به گفته سیروس شمیسا «اصولا تلمیح در شعر بر تناسب و مراعات النظیر استوار است، یعنی می باید چند جزء داستانی (لا قل دو جزء) که ماهیه به هم مربوط اند کنار هم قرار گیرند تا تلمیح به وجود آید...» (شمیسا، ۱۳۷۳ ش: ۴۴)

در شعر فارسی آرایه تلمیح انواع مختلفی دارد و می توان آن را از لحاظ موضوع و مضامین و روش و اسلوب و قدیم و جدید به گونه‌های مختلف تقسیم کرد؛ اما به طور کلی «تلمیحات یا ایرانی است یا سامی یا جز این‌ها (یونانی و هندی) که هر کدام از این‌ها را می توان به لحاظ غنایی و حماسی نیز تقسیم کرد.» (شمیسا، ۱۳۷۳ ش: ۸-۹)

هدف اصلی کاربرد تلمیح اینست که شاعر می خواهد مطالب دقیق و مفصل را به صورت فشرده و کنایی در شعر خود درآورد. در موارد دیگر، تلمیح حامل جنبه های تشبیه و استعاره و اغراق و مبالغه و ایجاز و کنایه می باشد. علاوه ازین تلمیح یک پلی است که شاعر به وسیله آن وقایع مهم و کارنامه های مردان بزرگ تاریخ قدیم را به گوش خوانندگان زمان جدید می رساند و مطالب مفید و موثری را به مردم ارایه می



دهد. گویا تلمیح نقش یک تابلوی را ایفا می‌کند که شاعر با استفاده از علم و مهارت خود مضامین گوناگون را روی آن ترسیم می‌کند.

زندگانی و آوازه میر محمد نصیر خان

میر محمد نصیر خان در سال ۱۲۱۷ هجری قمری برابر با ۱۸۰۲ میلادی در شهر حیدرآباد، سند در خانواده تالپوران سند چشم به جهان گشود. (دیوان جعفری، ۴؛ عباس بیگ، ۱۹۸۶م: ۲۱) تالپوران بعد از سقوط حکومت کلهورا به مدت شصت سال بر سند فرمانروایی کردند.

میر محمد نصیر خان پس از وفات پدرش میر مراد علی خان در سال ۱۸۴۰ میلادی برابر با ۱۲۵۵ / ۱۲۵۶ هجری قمری حاکم سند مقرر شد. (علی متقی، ۲۰۰۵م: ۶۸) دوره حکمرانی میر محمد نصیر خان دوره هرج و مرج سیاسی و انحطاط حکومت تالپران بود. به علت شورش‌ها و توطئه چینی‌های انگلیسی‌ها در امور سیاسی و داخلی سند و ایجاد انتشار و افتراق بین افراد این خانواده، در اساس حکومت میر محمد نصیر خان رخنه انداخت. در سال ۱۸۴۳م برابر با ۱۲۵۹ هجری قمری انگلیسی‌ها بر سند لشکر کشی کردند. میر محمد نصیر خان اگرچه مقابل ارتش انگلیس مقاومت کرد اما به سبب خیانت‌های بعضی از افراد خانواده و قبیله خود نتوانست جلوی آنها را بگیرد و در نتیجه این شورش‌ها حکومت خود را از دست داد و به دست سربازان انگلیس اسیر شد. (شکارپوری، ۱۹۵۹م: ۶۸۸). بعد از تحمل رنج‌ها و مصیبت‌های زیادی در سال ۱۲۶۱ ق/ ۱۸۴۵ م در اثر سکتی قلبی در زندان شهر دمدم (کلکته) این جهان فانی را بدرود گفت. (خداداد خان، ۱۹۵۹م: ۱۵۷) آرامگاه او در حیدرآباد، سند است. (خلیل تتوی، ۱۹۵۸م: ۱۰۷)

آثار و افکار

میر محمد نصیر خان تالپور هم یکی از آن نویسندگان و سخنوران معروف و ارجمندی است که از خاک سند برخاستند که برای گسترش و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی از جان سرمایه گذاشتند و برای شکوفایی میراث ادبی و نقش مهمی را ایفا کردند. آثار میر نصیر خان مشتمل بر سه مثنوی، یک دیوان غزلیات و یک مجموعه

نامه‌ها است که در زمان زندانی وی از شهرهای ساسور و کلکته واقع در کشور هند به افراد مختلف نوشته شده و توسط پسرش میر حسن علی خان جمع آوری گردیده است. مهم ترین اثر او مثنوی «مختار نامه» است که در بر دارنده سی و هفت هزار و پانصد بیت است. این مثنوی موضوع حماسی دارد و وقایع خونخواهی امام حسین ع توسط مختار سقفی مطرح کرده است؛ چنانکه بر اساس این مثنوی باید وی را در زمره حماسه سرایان سند شمرد. این مثنوی در سال ۱۲۴۱ ق به نظم آورده شد. (مثنوی مختار نامه جعفری: ۳۹۴)

اولین تصنیف او یعنی دیوان غزلیاتش دارای پانصد و نه غزل است که در اوایل زندگی خود در سال ۱۲۳۳ ق سروده بود. (خلیل تتوی، ۱۹۵۸ م: ۱۰۹) اثر دوم مثنوی «مرزا و صاحبان» موضوع عاشقانه دارد و در سال ۱۲۳۵ ق منظوم شد. (خلیل تتوی، ۱۹۵۸ م: ۱۰۸) دو اثر دیگر، مثنوی سفرنامه جعفری و مجموعه نامه های او در آثار حبسیه به شمار می رود و در دوران اسارت میر محمد نصیر خان از سال ۱۲۵۹ ق تا ۱۲۶۱ ق نوشته شده است.

عشق بن مایه فکری شعر نصیر خان جعفری است ولی این عشق متعالی و آسمانی است که در شعرهای او جریان دارد. افکار و اندیشه‌های او از عشق حق متعال و محمد و آل محمد (ع) نشأت می گیرد. عشق و وابستگی با این ذوات مقدس انسان را به حق نزدیک تر می سازد و او را از پستی فکر بیرون آورده به افکار عالی و کمالات انسانی راهنمای می کند.

از مطالعه کلام او به نظر می رسد که محتوای شعری وی بیشتر حاوی مضامین سنتی غزل چون وصف جمال محبوب، ذکر چشم و ابرو و لب و رخسار محبوب مجازی، هجر و فراق، اضطراب و بیقراری در فراق معشوق، گله و شکایت، بی اعتنایی و بی مهری معشوق، ذکر شراب و.. می باشد و در لابه لای اشعارش عقائد و اعتقادات شخصی و نکات علمی و عرفانی نیز به چشم می خورد.

بررسی انواع تلمیح در غزل‌های جعفری

اگرچه در غزلیات میر محمد نصیر خان، بهره گیری از آرایه های ادبی لفظی و معنوی چون تجنیس و تسجیع و تکرار و تشبیه و استعاره و حسن تعلیل و اغراق و مبالغه و... چشمگیر است، اما تلمیحاتی که در دیوان جعفری به کار رفته است تنوع و وسعت



فراوان دارد و دال بر گسترش دامنه علمی و اطلاعات تاریخی و فرهنگی شاعر است. او می‌خواهد معانی و نکات گوناگون را در قالبی کوتاه و کلامی فشرده عرضه دهد، بنا بر این وی با استفاده از وقایع تاریخی، ذهن خواننده را از زمان حال به زمان گذشته انتقال می‌دهد.

کاربرد آرایه تلمیح غزلیات میر محمد نصیر خان را ژرفا می‌بخشد و موجب زیبایی و قدرتمندی و ندرت سخن می‌شود. وی با استفاده از آرایه تلمیح، موضوعات عقلی و ذهنی را برای مخاطب خود ملموس و محسوس می‌کند بنا بر این موجب التذاذ خوانندگان می‌باشد.

جلوه‌های تلمیح در دیوان جعفری بسیار پر رنگ است و بیشتر از آنها از قرآن و حدیث و تاریخ اسلام و ایران بخصوص از شاهنامه فردوسی سرچشمه گرفته است. تعیین تمام انواع تلمیحات در غزلیات جعفری کار بسیار دشوار است و تحلیل و تجزیه دقیق می‌خواهد و این مقال مجال آن را ندارد لذا به طور فشرده تلمیحات غزلیات جعفری را با چهار عنوان زیر بررسی می‌کنیم:

۱. تلمیحات قرآنی
۲. تلمیحات دینی
۳. تلمیحات تاریخی
۴. تلمیحات اساطیری (شاهنامه ای)

تلمیحات قرآنی

در دیوان جعفری بیشتر به مطالبی بر می‌خوریم که از آیات و کلمات مخصوص قرآن گرفته شده است. این تلمیحات صرفاً قرآنی نیستند بلکه اسلامی هم هستند و نیز جنبه‌های دینی و اخلاقی و برهانی و عرفانی نیز دارد. شاعر با استفاده از این به مسائل دقیق توحید و معاد و ایمان و کفر و بهشت و جهنم و سزا و جزا و... اشاره نموده است.

ما به طور خلاصه چند مورد مهم از تلمیحات قرآنی و اسلامی را اینجا مطرح می‌کنیم:



نفخ صور

به لطف علی، جعفری را چه غم ز حشر و ز عرصات و از نفخ صور
(دیوان جعفری: ۷۰)

نفخ صور اشاره است به روز رستاخیز و هنگامی که همه موجودات روی زمین به وسیله نفخ صور از بین خواهد رفت و عرصه محشر برگزار می شود و از آیت شریفه «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ...» (سوره نمل: ۸۷)^۱ برگرفته است. یا از آیه دیگر از سوره طه «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا» (آیت: ۱۰۲)^۲

آفرینش نور و ظلمات

یک جا به آیه ظلمات و نور چنین اشاره می کند:
هست عیان از رخ و گیسوی تو آیه ظلمات و النور ای صنم
(دیوان جعفری: ۱۰۶)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ... (سوره انعام: آیت: ۱)^۳

ذو القربی

آیهی ذوی القربی آیهی معروفی که در ادبیات فارسی زیاد به کار رفته است. میر جعفری نیز با اشاره به این آیه شریفه «وَأَتْ ذَى الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا»^۴ (سوره اسرا/آیت: ۲۷) می گوید:

حق بفرمود آت ذالقربی آنکه حق داد او امین من است
(دیوان جعفری: ۲۲)



^۱ ترجمه: «روزی که در صور دمیده شود و همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند مگر آنکه خدا بخواهد بترسند و همه خوار و ذلیل به سوی او روان شوند»

^۲ ترجمه: روزی که در صور دمیده شود و مجرمان را در آن روز، کبود چشم گرد می آوریم.

^۳ ترجمه: ستایش از آن خداوندی است که آسمانها و زمین را بیافرید و تاریکیها و روشنایی را پدیدار کرد، با این همه، کافران با پروردگار خویش دیگری را برابر می دارند.

^۴ ترجمه: حق خویشاوندان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن و هیچ اسرافکاری مکن

شب قدر

شب قدر یالیه القدر یکی از شب‌های گرانقدر بین مسلمانان است که خداوند متعال در سوره "قدر" عظمت و بزرگی آن شب را بیان کرده است. شعرا نیز در اشعار خود به ترکیبات این سوره توجه خاصی داشته‌اند. میر جعفری نیز با اشاره به لیلۃ القدر گیسوان پیامبر اکرم (ص) را چنین توصیف می‌کنند:

به عالم گر نکو شد لیلۃ القدر نمی باشد چو گیسوی محمد

(دیوان جعفری: ۵۸)

بسم الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ در آغاز تمام سوره‌های قرآنی و یک بار در بین سوره ۲۷ قرآن یعنی النمل آمده است و این شاعر فارسی گوی سند نیز آن را در بین مضامین شعری خود به کار برده است:

ابروی آن بت پری پیکر مد بسم الله ز قرآن است

(دیوان جعفری: ۳۱)

داستان حضرت یوسف (ع)

داستان یوسف علیه السلام یکی از زیبا ترین داستان‌های قرآنی است که به دلایل مختلف در ادبیات فارسی تاثیر عمیقی گذاشته است و شاعران از مضامین سوره یوسف (ع) که حاوی داستان یوسف (ع) است، بهره جسته‌اند. مهم‌ترین عناصر و مضامینی که از زندگی و شخصیت حضرت یوسف (ع) مورد توجه شاعران فارسی زبان قرار گرفته، عبارتند از: حسن یوسف (ع)، حسادت برادران، به چاه افتادن یوسف (ع)، گرگ و پیراهن یوسف (ع)، نجات از چاه و بردگی یوسف (ع)، عشق زلیخا به حضرت یوسف (ع)، زنان دربار مصر و بریدن انگشتان خود، به زندان افتادن یوسف (ع)، تعبیر خواب یوسف (ع)، حکومت و عزیز شدن یوسف (ع)، گریه کردن یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع)، وصال یعقوب و یوسف (ع).

مضامین و عناصر داستان حضرت یوسف (ع) در اشعار میر جعفری نیز جا به جا به چشم می‌خورد. به طور نمونه چند مورد از تلمیح داستان حضرت یوسف که در اشعار این شاعر فارسی گوی سند بازتاب خورده، اینجا مطرح می‌کنیم؛ مثلاً در بیت

زیر شاعر به فروخته شدن حضرت یوسف توسط برادرانش و بعداً در بازار مصر اشاره می‌کند که از آیه شریفه: وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِمَرْأَتِهِ...^۱ (قرآن، یوسف: ۲۱) برگرفته است:

نیست مثلث هیچکس اندر جهان صد چو یوسف هست در بازارها

(دیوان جعفری، ۱۳: بی تا/ تاریخ ندارد)

جای دیگر به واقعه طعنه زنان مصر به زلیخا و بریدن دست‌های خود چنین اشاره می‌کند:

هر که بیند مه کنعانی من جای ترنج از زلیخا گذرد دست بریدن گیرد

(جعفری: ۶۷)

این واقعه در سوره یوسف چنین ذکر شده است: فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَكًا وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا بَشَرًا إِنْ هَٰذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ.^۲ (آیت: ۳۱)

حضرت عیسی (ع)

در ادبیات فارسی از تلمیحات قرآنی زندگی و شخصیت حضرت عیسی (ع) کاربرد وسیعی دارد. و شاعران زیادی به وقایع مربوط به حضرت عیسی (ع) مانند تولد عیسی (ع)، سخن گفتن در زمان شیرخوارگی، معالجه بیماران لاعلاج و زنده کردن مرده‌ها در اشعار خود اشاره کرده‌اند. میر جعفری نیز به وقایع و معجزات حضرت عیسی (ع) در شعر خود توجه ویژه‌ای داشته است. ابیاتی چند برای نمونه:

از یک سخن عظم رمیم گویا کند ز اعجاز بین کار مسیحای دگر کار مسیحای دگر

(دیوان جعفری: ۷۰)

^۱. ترجمه: کسی از مردم مصر که او را خریده بود به زنش گفت: تا در اینجاست گرامیش، بدار، شاید به ما سودی برساند، یا او را به فرزندی بپذیریم و بدین سان یوسف را در زمین مکانت دادیم تا به او تعبیر خواب آموزشیم و خدا بر کار خویش غالب است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

^۲. ترجمه: چون (زلیخا) ملامت زنان مصری را درباره خود شنید فرستاد و از آنها دعوت کرد و به احترام هر یک بالش و تکیه‌گاهی بگسترد و به دست هر یک کاردی (و ترنجی) داد و به او گفت که به مجلس این زنان درآ، چون زنان مصری یوسف را دیدند بس بزرگش یافتند و دستهای خود (به جای ترنج) بریدند و گفتند حاش لله که این پسر نه آدمی است بلکه فرشته بزرگ حسن و زیبایی است.



ترکیب «عظم رمیم» گرفته شده از آیه شریف سوره یسین: «وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِي خَلْقُهُ قَالَ مَنْ يَخِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيم»^۱ (سوره یس: ۲۲) و اشاره است به معجزه حضرت عیسی (ع) که به وسیله نفس پاک خود مردگان را زنده می کرد. در قرآن کریم معجزات حضرت عیسی (ع) در سوره‌های مختلف بیان شده است و به ویژه در سوره مایده در آیه شریفه: إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ...^۲ (آیه ۱۱۰) به تفصیل تمام نعمت‌های خداوندی که بر عیسی و مریم فراوانی داشت، اشاره شده است. میر جعفری نیز در لابه‌لای اشعارش به همین ویژگی‌های حضرت اشاره کرده است؛ مثلاً در اشعار زیر:

صد مرده را به حرف زدن زنده می کنی لعل لبث به معجز عیسی برابر است

(دیوان جعفری: ۲۸)

بانگ خلخال به گوشم برسیده است امشب هست امید که عیسی نفسی می آید

(دیوان جعفری: ۶۰)

خسته و بیمار را لعلش دهد در دم شفا نوش داروی کیان و معجز عیسااست این

(دیوان جعفری: ۱۱۵)

کلامت روح بخش مردگان باشد در این عالم ز اعجازت گذر سازد مسیحا از مسیحای

(دیوان جعفری: ۱۳۴)

^۱ ترجمه: و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: چه کسی این استخوانها را زنده می کند در حالی که پوسیده است.

^۲ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أُتِدَّتْكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا ۖ وَإِذْ عَلَّمْنَاكِ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ۖ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي ۖ وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي ۖ وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي ۖ وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جَعَلْتَهُم بَالِغِينَ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ.

ترجمه: [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود ای عیسی، پسر مریم نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور آنگاه که تو را به روح القدس تایید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن گفتی و آنگاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و آنگاه که به اذن من از گل [چیزی] به شکل پرند می ساختی پس در آن می دیدی و به اذن من پرند می شد و کور مادرزاد و پیر را به اذن من شفا می دادی و آنگاه که مردگان را به اذن من [زنده از قبر] بیرون می آوردی و آنگاه که [آسیب] بنی اسرائیل را هنگامی که برای آنان حجت‌های آشکار آورده بودی از تو باز داشتم پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند این [ها چیزی] جز افسونی آشکار نیست.

تلمیحات دینی

ادبیات فارسی علاوه بر آیات قرآنی از احادیث پیامبر(ص)، روایت‌ها، معجزه‌ها، و... نیز بهره برده است. همین طور در اشعار میر جعفری به مسائل دینی از قبیل مسئله‌ی جانشینی پیامبر(ص) و ضرورت و اثبات امامت و ولایت آئمه دوازده گانه و ظهور امام مهدی(ع) و نزول حضرت عیسی(ع) و... اشاره‌ها شده است. مثلاً در بیت زیر مسئله جانشینی امام علی(ع) پس از پیامبر(ع) مطرح شده است و برای اثبات آن، از حدیث پیامبر(ص) «یا علی أنت منی بمنزله هارون من موسی، إلیأنه لانبی بعدی» استناد کرده است. (بخاری، ۱۳۹۲ش ۲۶۵-۲۶۴)

مصطفی گفت بعد من حیدر

همچو هارون جانشین من است

(دیوان جعفری: ۲۲)

همچنین در بیت زیر از حدیث «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ» برای بیان اعتقادات خود بهره جسته است:

که من شهر علمم وصیم در است

نبی گفت در شان او بار بار

(دیوان جعفری: ۶۹)

در بیت زیر نیز به نیابت و ولایت حضرت علی(ع) و اولی الامر بودن آنحضرت اشاره کرده است که از آیه کریمه سوره نسا: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ...»^۱ (آیه ۵۹) استنباط شده است:

آن اولی الامر خدا و نایب ختم الرسل

شاه من شاه جهان حیدر علی مشکا کشا

(دیوان جعفری: ۷)

بنابر روایات شیعی بعد از نزول آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...» (سوره مائده، آیت: ۶۷) پیامبر(ص) در مقام میدان غدیر مردم را از حکم خداوند متعال آگاه ساخت و ولایت امام علی(ع) را اعلام کرد. میر جعفر نیز در اشعار خود به این رخداد آخرین حج پیامبر(ص) اشاره کرده است؛ چنانکه:

بَلِّغْ آمد به روز خم غدیر

قول حق شاهد گزین منست

(دیوان جعفری: ۲۲)

^۱ ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولی الامری که از شماست اطاعت کنید؛ پس اگر در چیزی نزاع پیدا کردید، آن را به خدا و رسول برگردانید، اگر بنایان بر این بود که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشید؛ آن بهتر و عاقبتش نیکوتر است.



طبق روایات اسلامی در آخرالزمان شخصی بنام «دجال» ظاهر خواهد کرد و پس از آن حضرت امام مهدی (عج) ظهور خواهند فرمود و وی را نابود می‌کنند. در همین زمان حضرت عیسی (ع) از آسمان چهارم فرود خواهد آمد. میر جعفری در بیت زیر همین روایت را چنین به مضمون در آورده است:

درمانده ام از مدعی همسر دجال خواهم ز خدا یاور عیسی نفسی را

(دیوان جعفری: ۱۹)

تلمیحات تاریخی

تلمیحات تاریخی غزلیات دیوان جعفری به دو نوع قابل تقسیم است. یکی آن که از وقایع تاریخ اسلامی از قبیل جنگ خیبر و جنگ احزاب و واقعه‌ی کربلا سرچشمه گرفته است و دیگر حاوی است بر وقایع معروف تاریخ عمومی مانند نام پادشاهان و شخصیت‌های علمی و ادبی و عاشقان معروف داستان‌ها چون لیلی و مجنون و شیرین و فرهاد و وامق و عذرا:

میر نصیر خان جعفری بنا بر عقاید شیعی خود جا به جا به وقایع اسلامی مربوط به حضرت علی (ع) را در ابیات خود ذکر کرده است. مثلاً بیت زیر تلمیحی است از جنگ امام علی (ع) و مرتب در جنگ خیبر و دو نیم شدن مرتب با ذوالفقار علی (ع):

خضم من کن به ذوالفقار دو نیم که شب و روز آن به کین من است

(دیوان جعفری، ۲۲: بی تا/ تاریخ ندارد)

جای دیگر در یک بیت از دو تلمیح قرآنی و تاریخی یعنی واقعه کربلا و آتش وادی ایمن (سینا) استفاده کرده است؛ چنانکه:

ز آتش واقعه کرب و بلا سوخت دلم یا علی این دل خود وادی ایمن کردم

(دیوان جعفری: ۱۰۲)

جای دیگر با نام افلاطون فیلسوف و دانشمند معروف یونانی چنین مضمون آفرینی می‌کند:

از من رموز عشق بیاموز زاهدا هر طفل مکتبم به فلاطون برابر است

(دیوان جعفری: ۲۷)



همچنین رخدادها و شخصیت‌های تاریخی و داستانی مانند شیرین و فرهاد، لیلی و مجنون، وامق و عذرا و... نیز به عنوان تلمیح در اشعار وی به کار رفته است که به طور نمونه چند بیت اینجا نقل می‌شود:

کشت شیرین به خسرو چو بهم شیر و شکر از سر جور مراد دل فرهاد ندارد
(دیوان جعفری: ۴۶)

در خیال لب شیرین تو ای یار مرا دست بر سینه به از تیشه فرهاد آمد
(همان: ۴۷)

از غم هجران تو خسرو شیرین سخن ناختم بر سینه مثل تیشه فرهاد بود
(همان: ۴۱)

گفتم ای لیلی شدم مجنون تو آن صنم بر حرف من باور نکرد
(همان: ۴۸)

من شدم وامق او چو عذرا شد من چو مجنون و او چو لیلا شد
(همان: ۳۷)

تلمیحات اساطیری (شاهنامه ای)

قابل ذکر است که میر محمد نصیر خان در غزلیات خود از تلمیح اساطیری بهره فراوان جسته است. در اشعار میر جعفری این نوع تلمیحات به طور کامل به شخصیات اساطیری شاهنامه فردوسی اشاره می‌کند و بسامد این گونه تلمیحات که از شاهنامه فردوسی سرچشمه است؛ نسبت به اساطیر دیگر چشمگیرتر است، لذا می‌توان این گونه تلمیحات را تلمیحات شاهنامه نام داد.

تلمیحات اساطیری شاهنامه معمولاً مشتمل است بر پهلوانان و پادشاهان داستانی مانند رستم، فریدون، افراسیاب، سام، داستان، کاووس، بیژن و متعلقات آنها. کاربرد فراوان این نوع تلمیح حاکی از تاثیر پذیری و آشنائی کامل شاعر با شاهنامه فردوسی است. وی زلف معشوق را با کمند رستم و ابروی او را با کمان کیانی و تیر مژگانش را با خدنگ سپهدار سام و یا با تیر تهمتن تشبیه می‌دهد و به زیبایی و ارزش کلام خود می‌افزاید.



مثلاً در شعر زیر یکجا از پادشاهی فریدون و پسران وی سلم و تور و ایرج، فریدون نام برده است:

ز شاه‌ی فریدون هم ز کار او چه می‌پرسی کجا رفته از اینجا ایرج و هم سلم و هم تورش
(دیوان جعفری: ۸۹)

قدح جم یعنی جام جم، جامی بود که جمشید یکی از پادشاهان معروف پیشدادیان اوضاع جهان را در آن مشاهده می‌کرد و در ادبیات فارسی بارها از آن به عنوان تلمیح نام برده شده است. میر جعفری نیز از ترکیبات مختلف آن در اشعار خود به کار گرفته است؛ مثلاً می‌گوید:

یک پارهٔ سفال ز خم شکسته‌ای از میکده به آن قدح جم برابر است
(دیوان جعفری: ۲۸)

یکی از شخصیت‌های معروف و محبوب شاهنامه رستم است که نام پهلوان داستانی ایران است که جنگ‌ها و دلاوری‌های او در شاهنامه آمده و او را رستم دستان و رستم زال نیز گویند. (رک: دهخدا «رستم») رستم پهلوانان و پادشاهان زیادی به زیر آورد. او خاقان چین را که در ادبیات فارسی پادشاه چین گاهی «غفور» و گاه «خاقان چین» آمده است (رک: دهخدا «خاقان چین») نیز به چنگ آورد. (رک: فردوسی، ۱۳۷۲ش: ۱۸۹) میر نصیر خان جعفری در بیت زیر همین مطلب را چنین آورده است:

تن تو نازک ز برگ لاله رخ تو تابان ز مهر و از مه
دو گیسویت چون کمند رستم به کار خاقان چین هویدا
(جعفری: ۲)

جای دیگر با استفاده از آرایه تلمیح از نام رستم چنین بیت خود را آراسته است:

رخت چو آتش لبت چو مرجان خطت چو ریحان قدت چو طوبا
دو ابرویت چون کمان و مژگان چو تیر رستم به گاه هیجا
(همان: ۲)

و یا بیت زیر ملاحظه شود که در آن زلف محبوب را با کمند رستم تشبیه کرده اس:

بگو خال است یا این دانهٔ مرغ دل بریان بگو زلف است یا دام و کمندی رستم دستان

(همان: ۱۱۳)

همچنین صدها وقایع و اشارات شاهنامه فردوسی در اشعار میر نصیر خان جعفری به کار رفته است که چند مورد از آن ملاحظه گردد:

نوش دارو

نوش داروی کیان است لب نوشینت یا که اعجاز مسیحا که شفا می بخشد
(جعفری: ۵۹)

حمله توران به ایران

ترک چشمت ز ستم ملک دلم کرد خراب
چون شه تور که در کشور کاووسی ریخت
(جعفری: ۱۹)

رویاریبی رستم با ارژنگ

ز میدان عشق تو ای تند خو گریزان است ارژنگ فولاد چنگ
(جعفری: ۹۸)

نیزه بیژن

از بهر خستن دل عشاق ناتوان مژگان تو به نیزه بیژن برابر است
(همان: ۲۸)

خدنگ سام

بود تیر مژگان یارم چنان به مثل خدنگ سپهدار سام
(همان: ۱۱۰۲)

پادشاهان کیانی

کمانی کیانی است ابروی او دو مار است پیچان دو گیسوی تو
(همان: ۱۲۱)



نتیجه‌گیری

با توجه به نقد و بررسی انجام شده می‌توان نتیجه‌گیری کرد که کاربرد وسیع انواع تلمیح در غزل‌های جعفری در ایجاد معانی تازه و خیال‌انگیزی، تاثیر خاصی دارد. اگرچه بسیاری از تلمیحات وی مبنی بر تشبیهات است اما جنبه‌ی تاریخ‌شناسی و رجال‌شناسی هم اسلامی و غیر اسلامی همراه دارد. این آرایه ادبی در افزودن ارزش ادبی غزل‌های جعفری بسیار موثر هست و به کلام او لطف و تراوت خاصی می‌بخشد.



کتابنامه

- بخاری، محمد بن اسماعیل، ج ۴، ترجمه فارسی، عبدالعلی نوراحراری، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۹۲ ش،
- بیگ، عباس علی، میرزا، جولائی ۱۹۸۶ م، میر محمد نصیر خان، سند جو آخری تاجدار، نئین زندگی، ماهنامه، کراچی
- ____ ۲۰۰۵ ع، بزم تالپر، شیخ پرنسنگ پریس حیدرآباد، سند
- خدادا خان، خان بهادر، ۱۹۵۹ م، لب تاریخ سند، تصحیح دکتر نبی بخش خان بلوچ، سندی ادبی بورڈ، کراچی
- خلیل تتوی، ابراهیم، محمد، ۱۹۵۸ م، تکملہ مقالات الشعراء، تصحیح و حواشی، سید حسام الدین راشدی سندی ادبی بورڈ، کراچی
- شکارپوری، عطا محمد، منشی، ۱۹۵۹ م به تصحیح و تحشیه و تعلیق، عبدالحی حبیبی افغانی، تازه نوای معارک، سندی ادبی بورڈ، کراچی، پاکستان
- شمیسا، سیروس، دکتر، ۱۳۷۳ ش، فرهنگ تلمیحات، انتشارات فردوس، تهران
- فردوسی، شاهنامه، ۱۳۷۲ ش، تصحیح و گزینش، دکتر محمد علی رواقی، انتشارات سروش - انتشارات نگار، تهران
- قرآن مجید
- لاله هوتورام، رای بهادر، ۱۹۹۷ء، تاریخ بلوچستان، تلخیص منصوربخاری سیلز ایند سروسز، کویتہ، پاکستان
- لغت نامه دهخدا
- مولائی شیدائی، رحیمداد خان، ۲۰۰۶ ع جنت السند، سندیکا اکادمی، کراچی
- نصیر جعفری، میر محمد خان، (خطی) مکتوبات جعفری، کتاب خانہ تالپران، حیدرآباد، سند، پاکستان
- ____ (خطی) دیوان جعفری، کتاب خانہ تالپران، حیدرآباد، سند، پاکستان
- ____ (خطی) مختار نامه، کتاب خانہ تالپران حیدرآباد، سند، پاکستان
- همایی جلال الدین، ۱۳۷۱ ش، فنون بلاغت و صناعات ادبی، برگ موسسہ نشر هما، تهران

